

Rereading sermon 216 of Nahj al-Balagheh about the nature of Islamic government in an intentional hermeneutic way

Fariba Sadat Mohseni Sohi*

Reza Khodabandehloo**

Abstract

This research aims to interpret and analyze sermon 216 of Nahj al-Balagha. This sermon is considered one of the most important and richest sermons of Nahj al-Balagha, which provides a profound and comprehensive perspective on the ideology and intellectual system of Amir al-Mu'minin regarding governance and the relationship between the ruler and the people. In this study, Quentin Skinner's intentionalist hermeneutic method has been used to analyze the sermon in order to understand the true intentions of Imam Ali(ra) in preaching it and gain an in-depth understanding of the concepts and themes hidden within it. According to Skinner's method, the analysis of the sermon was carried out in five stages: The first stage examined the non-verbal communicative function of the sermon text and showed that articulating the concept of the bilateral flow of rights and responsibilities between rulers and people as well as guiding people towards this concept has been the primary concern of Imam Ali(ra) in this sermon. The second stage, through a precise examination of the historical context of that era, demonstrated that the main intention of Imam Ali(ra) in raising this concept was to return to the Prophetic tradition against the dominant Muawiyah-centered and ignorance-stricken culture of that time. In subsequent stages of analysis, it became clear that Imam Ali(ra), by deploying key concepts such as "perseverance", "advice" and "cooperation", has proposed a new norm in defining the relationship between the ruler and the people,

* Assistant Professor, Institute of Political Thought, Revolution and Islamic Civilization, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran (Corresponding Author), f.mohseni@ihcs.ac.ir

** phd candidate of Political Science, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran, r.khodabandehloo@gmail.com

Date received: 21/01/2025, Date of acceptance: 21/04/2025



which over time and with the full unity of the words and political actions of the Imam, has turned into a widespread and established norm in the history of Islamic civilization.

Keywords: Imam Ali(ra), Sermon 216 of Nahj al-Balagha, Rights and Duties, Intentional Hermeneutics, Textual Analysis.



بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه در باب ماهیت حکومت اسلامی به روش هرمنوتیکی قصدگرا

فربیا سادات محسنی سهی*

رضا خدابخنده لو**

چکیده

پژوهش حاضر با هدف تفسیر و تحلیل خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه انجام شده است. این خطبه یکی از مهم‌ترین و غنی‌ترین خطبه‌های نهج‌البلاغه به‌شمار می‌رود که تصویری عمیق و جامع از دیدگاه و منظومه فکری امیرالمؤمنین در باب حکمرانی و ارتباط حاکم و مردم را ارائه می‌دهد. پژوهش از روش هرمنوتیک قصدگرای کوئینتین اسکینر برای تحلیل خطبه بهره برده است تا بتواند با درک قصد و نیت حضرت علی^(ع) در ایراد این خطبه، به فهمی عمیق و دقیق از مفاهیم و مضامین نهفته در آن دست یابد. طبق روش اسکینر، تحلیل خطبه در پنج مرحله انجام شد: مرحله اول، بررسی بار غیرگفتاری کنش زبانشناختی خطبه و نشان دادن این نکته که تبیین مفهوم جریان دوسویه حق و تکلیف بین حاکمان و مردم و راهنمایی مردم به سوی این مفهوم، دغدغه اصلی امام علی^(ع) در این خطبه بوده است. در مرحله دوم و با بررسی دقیق بافت تاریخی آن دوران نشان داده شد که قصد اصلی امام^(ع) از طرح این مفهوم، بازگشت به سنت نبوی در مقابل فرهنگ غالب معاویه‌محور و جاهلیت‌زده آن زمان بوده است. در مراحل بعدی تحلیل مشخص شد که امام علی^(ع) با به‌کارگیری مفاهیم کلیدی مانند «استقامت»، «تناصرح» و «تعاون» هنجاری جدید در تعریف رابطه بین حاکم و مردم مطرح کرده‌اند که به مرور زمان و با

* استادیار پژوهشکده اندیشه سیاسی، انقلاب و تمدن اسلامی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ایران،

تهران (نویسنده مسئول)، f.mohseni@ihcs.ac.ir

** دانشجوی دکتری علوم سیاسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ایران، تهران،

r.khodabandehloo@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۲، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۲/۰۱



وحدت کامل گفتار و عمل سیاسی آن حضرت، به یک هنجار فراگیر و مرسوم در تاریخ تمدن اسلامی تبدیل شده است.

کلیدواژه‌ها: امام علی^(ع)، خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه، حق و تکلیف، هرمنوتیک قصدگرا، تحلیل متن.

۱. مقدمه

تفسیر متون تاریخی از جمله فعالیت‌های پژوهشی است که نیازمند شناخت دقیق زبان، معانی، مفاهیم و گزاره‌های رایج در زمانه مولف است. این شناخت نه تنها به خود متن محدود نمی‌شود، بلکه باید به زمینه تاریخی و اجتماعی آن نیز توجه کرد. به ویژه در مورد متون دینی و سیاسی، چنین تفسیری اهمیتی دوچندان پیدا می‌کند. خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه، که در زمان جنگ صفین توسط امام علی^(ع) ایراد شده است، نمونه بارزی از چنین متونی است که در بردارنده مضامین عمیق فرهنگی، سیاسی، و اجتماعی است.

این خطبه حاوی مضامین بسیار مهم و عمیقی در خصوص ماهیت رابطه حاکم و مردم در جامعه اسلامی است و به تبیین جریان دوسویه حق و تکلیف در میان حاکمان و مردم و تأکید بر مسئولیت‌پذیری و حضور فعال مردم در راستای خیرخواهی و نقد حکومت از نگاه امام علی^(ع) می‌پردازد. مفسران و محققان معتقدند این خطبه نشان‌دهنده دیدگاه بسیار جامع، نوآورانه و پیشرو امام علی^(ع) درباره تعامل سازنده میان حاکم و جامعه است.

هدف از نگارش این مقاله، تفسیر و تحلیل خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه با استفاده از روش‌شناسی قصدگرای کوئینتین اسکینر (Quentin Skinner's Intentionalist Hermeneutics) است^۱ اسکینر (1972: 393) معتقد است که برای درک صحیح و عمیق هرمنوتیک یک متن، باید به قصد و نیت نویسنده از خلق آن متن در زمان و مکان خاص خود توجه کرد. ما در این مقاله، با بهره‌گیری از مراحل پنج‌گانه هرمنوتیک قصدگرای اسکینر، به تفسیری جامع از خطبه ۲۱۶ دست می‌یابیم و سعی می‌کنیم مفاهیم کلیدی آن را برای به کارگیری در جوامع معاصر مورد تحلیل و ارزیابی قرار دهیم.

این مقاله در برگیرنده سه بخش اصلی است: در بخش نخست، مفهوم و اصول هرمنوتیک قصدگرای کوئینتین اسکینر را به طور مفصل شرح داده و منابع انگلیسی معتبر و دست اول درباره آرا و نظرات وی را معرفی و مورد استناد قرار داده‌ایم. در بخش دوم، محتوا و مفهوم خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه را به طور جامع توضیح داده و منابع معتبر و معاصر درباره تفسیر و

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فریبا سادات محسنی سهی و رضا خداپنده لو) ۱۷۱

تحلیل آن را معرفی و مورد استناد قرار داده‌ایم. در بخش سوم، با استفاده از روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر، خطبه ۲۱۶ را تفسیر کرده و نتایج و پیامدهای آن را برای زمان حال بیان کرده‌ایم. در پایان نیز، نتیجه‌گیری و پیشنهاداتی برای ادامه تحقیق ارائه کرده‌ایم. شایان ذکر است در این مقاله با توجه به جامعیت نسبی روش هرمنوتیک قصدگرا نسبت به سایر روش‌های تفسیری هرمنوتیک متداول در غرب، در تبیین خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه از روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر استفاده شده است، هرچند به عنوان یک محقق منکر خلاهای روش‌شناسی اسکینر در فهم متون تاریخی دینی نیستیم.

۲. مبانی نظری

۱.۲ تعریف هرمنوتیک و انواع آن

هرمنوتیک، به عنوان علم و هنر تفسیر متون، یکی از شاخه‌های مهم در حوزه معرفت‌شناسی محسوب می‌شود. واژه هرمنوتیک از ریشه یونانی "هرمنئو (Hermeneuo)" به معنی "تفسیر کردن" گرفته شده است و تاریخچه‌ای دیرینه در فرهنگ غربی دارد (Holm-Hadulla, 2018: 32). این دانش در ابتدا به تفسیر متون مقدس می‌پرداخت اما با گذشت زمان، گسترش یافته و شامل تفسیر متون فلسفی، ادبی، تاریخی و حتی غیرلفظی مانند آثار هنری نیز شده است (Uzuegbunam, 2023: 4).

در سده ۱۷ میلادی، یوهان کنراد دانهاور (Johann Conrad Dannhauer)، الهیات‌دان استراسبورگی، واژه "هرمنوتیک" را برای اشاره به "فن تفسیر" ابداع کرد و در ۱۹۴۹ کتاب "حکمت مسیحی یا الهیات عینی" را منتشر کرد (Farihin, 2016: 171). در سده ۱۹ میلادی، ویلهلم دیلتای (Wilhelm Dilthey) وظیفه جدیدی برای هرمنوتیک تعریف کرد و آن را به عنوان بنیانی روش‌شناختی برای تمامی علوم انسانی معرفی نمود (Gardner, 2010: 6). این تحول معنایی، هرمنوتیک را از فن تفسیر متون مقدس به فن فهم به صورت عام گسترش داد. در قرن بیستم، هرمنوتیک به بُعد فلسفی خود رسید. مارتین هایدگر (Martin Heidegger) و هانس-گئورگ گادامر (Hans-Georg Gadamer)، هرمنوتیک را به فلسفه تبدیل کردند (Coltman, 1998: 19).

هرمنوتیک امروزه تنها به تفسیر متون مکتوب اکتفا نمی‌کند، بلکه شامل تمامی پدیده‌های مرتبط با فهم نیز می‌شود. این دانش به پژوهشگران امکان می‌دهد تا به تفسیرهای متفاوت و عمیق از یک متن دست یابند و درکی جامع‌تر از مفاهیم و معانی پنهان در آن‌ها کسب کنند. هرمنوتیک به چندین نوع تقسیم می‌شود که هر یک از آنها بر یک جنبه از تفسیر متون تأکید دارند^۱ (Kockelmans, 1975: 81-84; Demeterio, 2001: 2-7; Green, 2005: 392-402):

هرمنوتیک عینی (Objective Hermeneutics): تأکید بر استخراج معنای عینی و واقعی متن دارد و معتقد است که معنای یک متن مستقل از خواننده آن است.

هرمنوتیک ذهنی (Subjective Hermeneutics): تأکید بر نقش خواننده در تفسیر متن دارد و بر این باور است که تفسیر متن وابسته به ذهنیت و پیش‌زمینه خواننده است.

هرمنوتیک اجتماعی (Social Hermeneutics): تمرکز بر زمینه‌های اجتماعی و تاریخی متن است و بر این نکته تأکید دارد که معنای متن در ارتباط با بافت اجتماعی آن شکل می‌گیرد.

هرمنوتیک فلسفی (Philosophical Hermeneutics): به تبیین ماهیت تفسیر و شرایط امکان آن می‌پردازد و در پی یافتن اصول و مبانی فلسفی تفسیر است.

هرمنوتیک قصدگرا (Intentional Hermeneutics): تمرکز بر تفسیر متون با توجه به قصد و نیت نویسنده در زمان نگارش متن دارد. این رویکرد به درک چرایی نوشته شدن متن و ارتباط آن با زمینه تاریخی و فرهنگی خاص خود است.

هرمنوتیک تاریخی (Historical Hermeneutics): به تاریخچه و زمینه تاریخی متون اهمیت می‌دهد و سعی در درک متن با توجه به شرایط زمانی و مکانی ایجادکننده آن دارد.

هرمنوتیک تطبیقی (Comparative Hermeneutics): به تفسیر و تطبیق متون مختلف فرهنگی و ادبی با توجه به مقایسه اجتماعات و زمینه‌های زمانی متفاوت متمرکز است.

این رویکردهای مختلف از هرمنوتیک امکان فهم عمیق‌تر و جامع‌تر متون را فراهم می‌آورند و به محققان اجازه می‌دهند تا به تفسیرهای متفاوتی از یک متن دست یابند.

۲.۲ هرمنوتیک قصدگرا و اصول آن

هرمنوتیک قصدگرا بر این باور است که برای فهم یک متن نمی‌توان فقط به متن یا صرفاً به بافت آن توجه کرد، بلکه باید هر دو را در کنار هم و با تأکید بر قصد و نیت نهفته در خود متن، مد نظر قرار داد. کوئنتین اسکینر (Skinner, 1972: 393-408) به عنوان واضع این رویکرد، دو دیدگاه متن‌گرایی و زمینه‌گرایی را ناقص می‌داند و رویکرد سومی با تأکید بر قصد و نیت نویسنده معرفی کرد که به باور وی، تنها این دیدگاه می‌تواند به تفسیر صحیح متن بپردازد. روش اسکینر ترکیبی از گرایش‌های متن‌محوری و زمینه‌محوری در نظریه‌های هرمنوتیک است. وی با الهام از نظریه معروف افعال گفتاری جان آستین، از میان سه نوع فعل گفتاری بیانی محض، مضمون‌دار و پیامدی، بیش از همه بر فعل گفتاری مضمون‌دار تأکید کرده است (Qi, 2020: 1200-1202). این نوع فعل گفتاری بر مضمون و مقصودی دلالت دارد که گوینده و نویسنده از طریق سخن خود قصد انتقال آن را دارد و به همین دلیل، حامل معنا نیز محسوب می‌شود.

اسکینر در مباحث روش‌شناسی خود و به خصوص در اندیشه‌شناسی به بازسازی تجربه زندگی و زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری یک اثر یا مفهوم، معتقد است. او مسأله اساسی خود را این‌گونه مطرح می‌کند که در تلاش برای فهم یک متن چه روش مناسبی باید اتخاذ شود؟ یا به تعبیر دیگر معنای واقعی و تاریخی یک متن چگونه کشف شود؟ او در پاسخ به این سوال، کلید دریافت واقعی متن را کشف نیت مولف در تألیف آن قلمداد می‌کند. اسکینر در کتاب دوجلدی بنیادهای اندیشه سیاسی مدرن (Skinner, 1978) که از مهمترین تألیفات او محسوب می‌شود، اندیشه سیاسی دوره رنسانس و رفرماسیون را با نظر به زمینه‌های تاریخی شکل‌گیری آن‌ها مورد مطالعه قرار می‌دهد. به همین ترتیب اسکینر در کتاب آزادی قبل از لیبرالیسم (Skinner, 1998)، به جای پرداختن به چیستی مفهوم، به تحول مفهومی آن در یک تجربه تاریخی می‌پردازد؛ یعنی نحوه تحول مفهوم آزادی را با نظر به جنگ‌های داخلی انگلستان در قرن هفدهم تا دوران مدرن، مورد بررسی قرار می‌دهد. وی در مقدمه کتاب مهمی که درباره اندیشه سیاسی ماکیاولی نگاشته در باب روش خود می‌گوید: "استدلال من این خواهد بود که برای فهم نظریه‌ها و تعالیم ماکیاولی، باید مشکلاتی را از لابلای غبار زمان باز و آشکار کنیم که او به وضوح در دو کتاب شهریار و گفتارها و سایر نوشته‌های خود در باب فلسفه سیاسی، خویشتن را با آنها روبرو می‌دیده است. برای اینکه به چنین دیدگاهی برسیم، لازم است محیطی را که این آثار در آن تصنیف شده اند را بازآفرینی کنیم؛ یعنی محیط فکری فلسفه یونان

و روم و فلسفه رنسانس و همچنین محیط سیاسی زندگی در دولت شهرهای ایتالیا در اوایل سده شانزدهم، پس از بازگرداندن ماکیاولی به جهانی که اندیشه‌های وی بدو در آن شکل گرفته، آنگاه خواهیم توانست کم‌کم قدر حمله فوق‌العاده و بی‌سابقه او را به اصول مسلم و متداول اخلاق در آن روزگار بدانیم و به ارزش آن پی ببریم. " (اسکینر، ۱۳۸۷: ۱۷)

از نظر اسکینر، فهم قصد نویسنده مستلزم آشنایی با مباحث، پرسش‌ها و مجادلات حاکم بر زمانه اوست و نیز نحوه تلاش وی برای مشارکت در آن فضای فکری از طریق نگارش متن. از این‌رو، باید با بازسازی فضای حاکم بر عصر مؤلف، جریانات فکری آن و مفاهیم رایج زبان آن دوران آشنا شد. سپس این متن را در بستر و فضای بازسازی‌شده مجدداً مورد مذاقه و خوانش قرار داد تا هم معنای درون‌متنی آن و هم قصد نویسنده از نگارش آن به عنوان یک عمل ارتباطی مشخص گردد.

روند بازسازی فضای زمانه و فهم متن در بستر بازسازی‌شده شامل سه مرحله است: نخست شناسایی مسائل و پرسش‌های آن دوران و پاسخ‌های ارائه‌شده به آن‌ها؛ دوم آشنایی با زبان و مفاهیم رایج دوران نویسنده؛ و سوم آگاهی از گفتمان و هنجارهای مسلط بر استدلال‌های سیاسی آن دوره. در واقع هر متن بخشی از گفتمان غالب بر زمانه خود بوده و برای فهم آن باید کل آن گفتمان را شناخت.

سایر نکات مهم در دیدگاه اسکینر عبارت است از: تفکیک میان معنا و فهم، تأکید بر بازیابی نیت نویسنده، مفهوم ذهنیت یک دوران و پرسش و پاسخ، و رد انتزاع متن از زمینه اجتماعی و تاریخی آن. در مجموع هدف نهایی اسکینر ارائه روشی جهت تفسیر صحیح متون تاریخی است.

به طور خلاصه، اسکینر (Skinner, 2002: 180-186) برای تفسیر متون تاریخی، روشی پنج مرحله‌ای ارائه می‌کند که شامل موارد زیر است:

- توجه به بار غیر گفتاری کنش زبانشناختی: بررسی اینکه متن چه کاری را انجام می‌دهد و چه اثراتی را ایجاد می‌کند.
- توجه به این امر که نویسنده هنگام تصرف در هنجارهای مرسوم قصد انجام چه کاری را داشته است: بررسی اینکه نویسنده با نوشتن متن چه هدفی را دنبال می‌کند و چه معنایی را می‌خواهد منتقل کند.

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فریبا سادات محسنی سهی و رضا خداپنده لو) ۱۷۵

- شناسایی و غبارروبی از متون موجود هم عصر نویسنده متن که سازنده زمینه ایدئولوژیک آن عصر بوده اند: بررسی اینکه متن در چه پرسش‌ها و مجادلاتی در آن دوره مشارکت دارد و چه پاسخی به آنها می‌دهد.

- توجه به هنجارهای مرسوم زمانه مولف و بررسی پیرامون تبعات احتمالی دخل و تصرف در آنها: بررسی اینکه متن چه تغییراتی را در هنجارهای مرسوم آن دوره ایجاد می‌کند و چه واکنش‌هایی را دریافت می‌کند.

- بررسی پیرامون اینکه چگونه تحولات ایدئولوژیک به هنجارهای مرسوم و مسلط تبدیل می‌شوند: بررسی اینکه متن چه نقشی در شکل‌گیری و تغییر هنجارهای اجتماعی و سیاسی آن دوره دارد.

هرمنوتیک قصدگرا، با تأکید بر قصد و انگیزه نویسنده در بافت و شرایط تاریخی و اجتماعی، ابزاری قدرتمند برای دستیابی به درکی عمیق و دقیق از متون تاریخی است. این رویکرد می‌تواند در تفسیر متونی مانند خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه بسیار مؤثر واقع شود. تمرکز هرمنوتیک قصدگرا بر نیت و مقاصد نویسنده، باعث شده این شیوه تفسیری به تحلیل‌هایی عمیق و دقیق از متون تاریخی بینجامد و امکان درک بهتر انگیزه‌ها و زمینه‌های فکری نویسندگان را فراهم آورد. این روش همچنین بر اهمیت در نظر گرفتن بافت فرهنگی و تاریخی متون برای فهمیدن آنها تأکید دارد؛ موضوعی که در تحلیل متونی همچون نهج البلاغه بسیار حیاتی و سرنوشت‌ساز است.

۳. ادبیات پژوهش

رویکرد هرمنوتیک قصدگرای اسکینر با توجه به تأکید بر درک قصد و نیت نویسنده در بافت تاریخی-اجتماعی خاص، در تفسیر و تحلیل انواع متون اعم از ادبی، فلسفی، دینی، سیاسی و تاریخی کاربرد فراوانی داشته است. این رویکرد به فهم عمیق‌تر متون کمک کرده و منجر به کشف معانی و ابعاد نوینی از این متون شده است. در زیر به برخی مهمترین نمونه‌های به‌کارگیری روش اسکینر در پژوهش‌های مشابه اشاره شده است:

۱.۳ مطالعات و متون سیاسی

روشن (۱۳۸۷) در مقاله «کوئنتین اسکینر و هرمنوتیک قصدگرا در اندیشه سیاسی» به بررسی مفاهیم مختلف در حوزه اندیشه سیاسی با استفاده از روش اسکینر می‌پردازد. وی معتقد است که برای درک معنا و فهم یک متن باید به قصد و نیت مؤلف توجه کرد. از این منظر، آرا و اندیشه‌های سیاسی بازتابی از زمینه‌های اجتماعی، تاریخی و فکری زمانه مؤلف هستند.

جمشیدی مهر و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «کنش گفتاری-هرمنوتیکی هنجار مرسوم انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری» با استفاده از روش اسکینر به بررسی نقش مقام معظم رهبری در تکوین و تثبیت هنجارهای انقلاب اسلامی می‌پردازند. یافته‌ها نشان می‌دهد که رهبری با طراحی نظریه‌هایی مانند تمدن نوین اسلامی، اقتصاد مقاومتی و گام دوم انقلاب، هنجار مرسوم انقلاب را تبیین کرده‌اند.

منافی و همکاران (۱۴۰۱ الف) در مقاله «دموکراسی در منظومه فکری علی شریعتی؛ با تاکید بر روش شناسی کوئنتین اسکینر» به بررسی دیدگاه‌های علی شریعتی درباره دموکراسی با استفاده از روش اسکینر می‌پردازند. آنها نشان می‌دهند که شریعتی دو نوع دموکراسی آزاد و متعهد را مطرح می‌کند که دموکراسی متعهد، حکومتی مترقی و انقلابی است که باعث دگرگونی‌های بنیادین در جامعه می‌شود.

برنز (T. Burns) (۲۰۱۱) در مقاله «تفسیر و بهره‌برداری از متون در تاریخ اندیشه سیاسی: کوئنتین اسکینر و پساساختارگرایی» به مقایسه روش هرمنوتیکی اسکینر و پساساختارگرایی در تفسیر متون تاریخ اندیشه سیاسی می‌پردازد. وی نشان می‌دهد که این دو رویکرد به رغم تفاوت‌هایی که دارند، لزوماً ناسازگار نیستند و مکمل یکدیگرند. اسکینر نیز در اواخر دهه ۱۹۸۰ این نکته را دریافت که موجب تجدید نظر در مواضع روش‌شناختی او شد.

گونل (J. Gunnell) (۱۹۸۲) در مقاله «تفسیر و تاریخ نظریه‌های سیاسی: دفاعیه و معرفت‌شناسی» به نقد ادعاهای هرمنوتیکی اسکینر در خصوص ضرورت پیروی از یک هنجار تاریخی خاص در مطالعه تاریخ اندیشه سیاسی می‌پردازد. وی معتقد است که این ادعاها بیش از آنکه یک روش تفسیری باشند، دفاعیه‌ای در برابر یک هنجار تاریخی خاص هستند که پیامدهای آن برای بازتعریف تاریخ اندیشه سیاسی نیازمند بررسی دقیق است.

شاکری خوئی (۱۴۰۰) در مقاله «فهم نظریه‌های دولت در فقه سیاسی مشروطه بر مبنای هرمنوتیک کوئنتین اسکینر» به تحلیل تحولات فقه سیاسی و نظریه‌پردازی شیعه درباره دولت در عصر مشروطه با استفاده از الگوی روش‌شناختی اسکینر می‌پردازد. وی نشان می‌دهد که

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فریبا سادات محسنی سهی و رضا خدابنده لو) ۱۷۷

تفاوت دیدگاه‌های دو متفکر برجسته این دوره یعنی نائینی و شیخ فضل‌الله نوری تحت تأثیر بسترها و زمینه‌های زبانی، فکری و عملی متفاوتی شکل گرفته بوده است.

۲.۳ مطالعات و متون دینی

پروانه‌زاد و همکاران (۱۳۹۶) در مقاله «بررسی امکان تفسیر نهج البلاغه از رهگذر روش شناسی اسکینر» به تحلیل محتوای نهج البلاغه با تکیه بر روش قصدگرایانه اسکینر می‌پردازند تا بتوانند برخی از نیات امام علی^(ع) را در فرازهایی از این اثر دریابند. نتایج نشان می‌دهد روش اسکینر می‌تواند امکان تفسیر معنایی از نهج البلاغه را فراهم سازد.

نساج و جمشیدی مهر (۱۴۰۰) در مقاله «تحلیل متون دینی در حکومت صفویه براساس روش هرمنوتیک» با استفاده از روش هرمنوتیکی اسکینر به تبیین دلایل نگارش متون دینی در عصر صفوی و نیز نقش آن در تغییر هنجار مرسوم زمانه می‌پردازند. یافته‌ها نشان می‌دهد که این متون با هدف تضعیف هنجارهای قدیمی مانند تصوف و تقویت هنجار شیعی جدید نگاشته شده‌اند.

منافی و همکاران (۱۴۰۱ب) در مقاله «اصول و مؤلفه‌های دموکراسی در آراء و افکار محمد مجتهد شبستری؛ با تاکید بر روش‌شناسی کوئنتین اسکینر» به بررسی مفهوم دموکراسی و اصول آن در آراء و اندیشه‌های محمد مجتهد شبستری به عنوان اندیشمند متأثر از هرمنوتیک می‌پردازند. آنها با تاکید بر مفاهیمی همچون آزادی و مساوات، وجود دموکراسی مختص مسلمانان در اندیشه شبستری را استنتاج می‌کنند.

۳.۳ مطالعات و متون ادبی

سیدباقری و حسنی (۱۴۰۰) در مقاله «خوانش اندیشه سیاسی نصرالله منشی در مقدمه کلیله و دمنه» با اتکا به روش قصدگرای اسکینر، به تحلیل اندیشه سیاسی منشی در مقدمه کتاب کلیله و دمنه و هدف وی از نگارش این مقدمه می‌پردازند. یافته‌ها نشان می‌دهد که منشی با طرح مؤلفه‌هایی چون لزوم اطاعت از پادشاه و همراهی دین و سیاست، به دنبال مشروعیت‌بخشی به حکومت در پایان عصر غزنویان بوده است.

عبدالخانی و احمدوند (۱۴۰۲) در مقاله «ابوالقاسم فردوسی و نقد "منازعه درونی" در سپهر اندیشه ایرانی» با استناد به شواهد و قرائنی از شاهنامه و با بهره‌گیری از رویکرد انتقادی اسکینر،

به تحلیل و نقد پدیده «منازعه درونی» در طول تاریخ ایران و تبیین پیامدهای آن به عنوان مسئله‌ای اساسی در اندیشه سیاسی فردوسی می‌پردازند.

۴.۳ مطالعات و متون تاریخی

حاتمی (۱۳۹۸) در مقاله «کار بست روش شناسی اسکینر در تفسیر متون تاریخ‌نگاری و تاریخ اندیشه ایرانی اسلامی» با ذکر نمونه‌های متعدد از متون تاریخی، به بررسی کاربرد روش اسکینر در تحلیل و تفسیر این متون می‌پردازد. نتایج نشان می‌دهد که تأکید این روش بر قصد و نیت نویسندگان متون تاریخی، به میزان قابل توجهی به درک بهتر این متون کمک می‌کند.

حاتمی و همکاران (۱۳۹۸) در مقاله «مهم‌ترین مؤلفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه و کنش سیاسی امام رضا^(ع)» با تکیه بر رویکرد هرمنوتیکی اسکینر، به استخراج و تحلیل مؤلفه‌های حکومت ایده‌آل از زاویه دید امام رضا^(ع) در دوران ولایتعهدی‌اش می‌پردازند.

درخشه و بیگی (۱۳۹۸) در مقاله «مطالعه تطبیقی نظریه حکومت در اندیشه عیسی قاسم و عبدالوهاب حسین» به بررسی تطبیقی دیدگاه دو تن از روشنفکران سیاسی بحرینی درباره ماهیت حکومت مطلوب با تکیه بر الگوی روش‌شناختی اسکینر می‌پردازند. نتایج نشان می‌دهد که تحولات سیاسی اخیر بحرین، موجب نزدیک شدن مواضع این دو اندیشمند شده است.

واله (M. Valle) (۲۰۱۴) در مقاله «استفاده از کوئنتین اسکینر در تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش» به بررسی کاربردهای احتمالی نقدها و پیشنهادات روش‌شناختی اسکینر در حوزه‌های تاریخ و فلسفه آموزش و پرورش می‌پردازد.

مارتینیچ (A. P. Martinich) (۲۰۰۹) در مقاله «چهار معنا از "معنا" در تاریخ ایده‌ها: نظریه تفسیر تاریخی کوئنتین اسکینر» با بررسی چهار معنای متفاوت «معنا» در تاریخ ایده‌ها و نظریه تفسیر تاریخی اسکینر در این زمینه، به نقد الگوی تفسیری اسکینر می‌پردازد.

۴. روش تحقیق: کیفی-تفسیری

این پژوهش از نوع کیفی و با رویکرد تفسیری است. روش تحقیق کیفی به مطالعه و تفسیر پدیده‌ها در بستر طبیعی خود می‌پردازد. هدف اصلی آن درک عمیق معانی و مفاهیم نهفته در داده‌ها است. رویکرد تفسیری نیز به معنای تلاش برای درک متن یا پدیده‌ای با توجه به بافت و زمینه آن است.

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فربیا سادات محسنی سهی و رضا خداپنده لو) ۱۷۹

روش کیفی-تفسیری برای این پژوهش انتخاب شده است، زیرا هدف آن تفسیر و تحلیل خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه با توجه به بافت تاریخی و اجتماعی آن است. این روش امکان درک عمیق معانی و مفاهیم نهفته در این خطبه را فراهم می‌آورد.

۱.۴ جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه است که به عنوان نمونه موردی تحقیق انتخاب شده است. این خطبه یکی از مهم‌ترین خطبه‌های نهج البلاغه به شمار می‌رود که حاوی مضامین عمیق فرهنگی، سیاسی و اجتماعی در خصوص نسبت حاکم و مردم است.

۲.۴ ابزار گردآوری داده‌ها

ابزار اصلی گردآوری داده‌ها، فیش‌برداری از متن خطبه ۲۱۶ و نیز منابع و متون مرتبط با آن است. منابع مورد استفاده شامل کتب تفسیر نهج البلاغه، مقالات تحلیلی درباره این خطبه و منابع تاریخی مربوط به زمینه ایراد آن می‌شود.

۳.۴ روش تجزیه و تحلیل داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها در این پژوهش، تحلیل محتوای کیفی متن خطبه با استفاده از الگوی پنج مرحله‌ای هرمنوتیک قصد‌گرای کوئینتین اسکینر است. این الگو شامل توجه به بار غیرگفتاری متن، قصد نویسنده، بافت تاریخی، هنجارهای زمانه، و نحوه تبدیل تحولات ایدئولوژیک به هنجارهای مسلط است.

۵. یافته‌ها

۱.۵ توصیف و تحلیل خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه

خطبه ۲۱۶ از نهج البلاغه، یکی از اسناد مهم و تأثیرگذار امیرالمؤمنین علی^(ع) است که در آن به تبیین و تحلیل رابطه حاکم و مردم در جامعه اسلامی می‌پردازد. در این خطبه، امام علی^(ع) به بررسی مهمترین جوانب این رابطه پرداخته و اهمیت رعایت حقوق دوسویه را بر آورده کرده است.

این خطبه بازتاب بینش امام علی^(ع) در مورد حکومت اسلامی است که بر اساس اصول عدالت، انصاف و مشورت بنا شده است. ایشان تأکید میکنند که حاکمان و مردم حقوق و وظایف متقابلی دارند که باید رعایت شود. ایشان همچنین از خطرات ستم، شورش و فتنه که میتواند ثبات و امنیت جامعه را به خطر بیاندازد، هشدار میدهند. غرض امام در این خطبه آن است که وحدت و اتفاق آنان را برای عمل کردن به دستورهای خود جلب کند و به این سبب نخست اشاره فرموده است به این که هر کدام از دو طرف بر دیگری حقی دارند که باید از عهده آن برآیند: حق او بر گردن یارانش همان حق ولایت و سرپرستی است که بر آنان دارد، و حق یاران بر او همان است که رعیت بر گردن والی و زمامدار خود دارد و لوازم این حقوق متقابل را باید طرفین رعایت کنند.

این خطبه همچنین نشان دهنده فصاحت، حکمت و دانش امام علی^(ع) است که توسط بسیاری از علما و نویسندگان در طول تاریخ ستوده و تحسین شده است. این خطبه شامل بسیاری از ابزارهای بلاغی است، مانند استعاره، تشبیه، مقابله و موازنه، که زیبایی و اثربخشی سخنرانی را افزایش میدهند. این خطبه همچنین آموزه‌های اخلاقی و معنوی زیادی را منتقل میکند، مانند ارزش تقوا، صبر و شکر، و نیاز به اصلاح نفس و شناخت خود.

بنابراین خطبه مورد بحث از خطبه‌های مهم نهج البلاغه است که امام علیه السلام در زمان ومکان خاصی؛ یعنی در اثنای جنگ صفین ایراد فرموده و عمدتاً از چهار بخش را شامل می‌شود:

۱. در بخش اول از حقوق متقابل والی و رعیت (زمامداران و توده‌های مردم) سخن می‌گوید. به بیان قانونی کلی درباره حقوق می‌پردازد و می‌فرماید: حق، همواره دو سویه است؛ هرکس بر دیگری حق دارد او نیز به نوعی دارای حق بر آن شخص است.
۲. در بخش دوم حقوق حاکمان بر مردم و حقوق مردم را بر حاکمان تشریح می‌کند و در همین بخش بر این معنا تأکید می‌فرماید که نه اصلاح مردم بدون اصلاح حاکمان ممکن است نه اصلاح حاکمان بی اصلاح مردم؛ یعنی این دو در یکدیگر تأثیر متقابل دارند.
۳. بخش سوم در واقع پاسخی است که امام علیه السلام به یکی از یارانش داد؛ او تعریف و تمجید فراوانی از امام کرد و وفاداری کامل خود را به پیشگاه آن حضرت عرضه داشت، امام در پاسخ او تواضع فراوانی نمود و فرمود: من هرگز ثناگویی و تعریف و تمجید را خوش ندارم، چرا که همه عظمتها مخصوص ذات پاک خداست.

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فریبا سادات محسنی سهی و رضا خدابنده لو) ۱۸۱

۴. در بخش چهارم از روابط صحیح حاکمان و مردم سخن به میان آمده و بدین معنا تأکید شده که حاکمان باید از متملقان و چاپلوسان پرهیزند و به عکس آماده شنیدن نقد نقادان و خرده گیری خرده گیران باشند تا جامعه رو به سوی صلاح و فلاح حرکت کند. (مکارم شیرازی، ۱۳۹۰، ج ۸: ۲۳۱)

بنابراین امام علی^(ع) در این خطبه ابتدا بیان می کند که این رابطه بین حاکم و مردم یک رابطه دوسویه است، به این معنا که هر دو طرف، یعنی حاکمان و مردم، حقوق و وظایفی دارند که باید رعایت شود. ایشان تأکید دارند که خداوند برای حاکمان حقوقی بر مردم و برای مردم نیز حقوقی در برابر حاکمان قرار داده است.

مهمترین حقوق الهی، به نظر امام علی^(ع)، حق مردم بر زمامداران و حق زمامداران بر مردم است. این دو حقوق دوسویه باعث پیوستگی مردم و حکومت می شود و موجب عزت و قدرت دین می گردد. اما اگر این حقوق رعایت نشود و اختلافات پیش آید، ظلم و فساد گسترش می یابد.

امام علی^(ع) به وضوح تأکید می کند که اگر حقوق دوسویه رعایت شود، رابطه بین حاکم و مردم عزیز و نیرومند می شود، مسیرهای دین هموار می شود و عدالت در جامعه برقرار می ماند. اما در صورتی که رعایت نشود، اختلافات و ستم ایجاد می شود و فساد و ناامنی گسترش پیدا می کند.

خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه به وضوح نقش و مسئولیت سنگین حاکمان و نقش فعال و خیرخواهانه مردم در سلامت و پیشرفت جامعه را بیان می کند. با توجه به این تحلیل، این خطبه می تواند به عنوان یک راهنمای اخلاقی و اجتماعی برای حاکمان و مردم در یک جامعه اسلامی مؤثر باشد.

۲.۵ بررسی زمینه تاریخی و اجتماعی خطبه

خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه، که از سوی امام علی^(ع) در زمانه ای پرتلاطم و سرنوشت ساز برای جهان اسلام ایراد شد، میراث تاریخی و اجتماعی بسیار مهمی برای امت اسلام به شمار می آید. جامعه اسلامی در دوران خلافت آن حضرت، مصادف با سال های ۳۵ تا ۴۰ هجری قمری، با چالش ها و تناقض های بسیاری روبرو بود که به جنگ های بزرگی چون جنگ جمل (۳۶ هجری قمری)، جنگ صفین (۳۷ هجری قمری) و جنگ نهروان (۳۸ هجری قمری) منجر شد.

خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه در حدود سال ۳۷ هجری قمری، در جریان یا پس از جنگ صفین، که بین یاران امام علی^(ع) و نیروهای معاویه بن ابی سفیان، والی شام، بر سر قضیه خلافت اسلامی به وقوع پیوست، ایراد شد. این جنگ یکی از تعیین‌کننده‌ترین رویدادهای دوران خلافت امام علی^(ع) بود که نقش مهمی در شکل‌گیری تفکرات و جریان‌های سیاسی و مذهبی بعدی در جهان اسلام داشت. در این جنگ، گروهی از یاران امام، معروف به «خوارج»، از امام جدا شده و با ایشان مخالفت ورزیدند. این گروه، که خود را حامل برداشتی مطلق‌گرایانه از اسلام می‌دانست، به شدت با آن حضرت مخالفت کرد و به ناامنی‌های بیشتری در جامعه اسلامی دامن زد.

این خطبه نمایانگر دیدگاه امام علی^(ع) در مورد حکومت اسلامی و رابطه حاکم و مردم است. امام علی^(ع) در این خطبه، بر این نکته تأکید می‌کند که حاکمان و مردم حقوق و وظایف متقابلی دارند که باید رعایت شود. ایشان معتقدند که حکومت و مردم باید در اجرای عدالت و رعایت حقوق یکدیگر همکاری کنند. ایشان همچنین از خطرات ستم، شورش و فتنه که می‌تواند ثبات و امنیت جامعه را به خطر بیاندازد، هشدار می‌دهند.

این خطبه در زمینه تاریخی و اجتماعی خاصی ایراد شده است. این زمینه شاهد تحولات و تنش‌های سیاسی و مذهبی شدیدی در جامعه اسلامی بود. این تحولات و تنش‌ها بر اساس مسائل سیاسی و تفسیرهای مختلف از اسلام شکل گرفته بودند. این خطبه تلاشی است برای بازگرداندن جامعه به مسیر اصلی و ترسیم الگویی مطلوب برای رابطه حاکم و مردم. این خطبه تلاشی است برای مقابله با دو رویکرد غالب و خطرناک آن زمان: یکی سلطه‌جویی و بی‌تفاوتی برخی حاکمان و دیگری تندروی و غائله‌جویی برخی گروه‌های سیاسی. این خطبه با تأکید بر مسئولیت‌پذیری دوسویه حاکم و مردم، راهی میانه و منطقی را پیشنهاد می‌دهد که می‌توانست ثبات سیاسی و اجتماعی جامعه را تضمین کند.

۳.۵ تطبیق مراحل پنج‌گانه هرمنوتیک اسکینر با خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه

۱.۳.۵ جنبه‌های غیرگفتاری کنش زبانی خطبه

بر اساس هرمنوتیک اسکینری هر متن یک کنش زیانشناختی است که باید بار گفتاری و غیر گفتاری این کنش مشخص شود، بر این اساس اسکینر تمرکز چندانی بر واژگان به کار رفته در متن ندارد بلکه بیش از آنکه هویت کلامی واژگان را مورد تأکید قرار دهد، به ماهیت محتوایی واژگان اهمیت می‌دهد، او این کار را تصرف در هنجارهای مرسوم ایدئولوژی در دسترس می

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فریبا سادات محسنی سهی و رضا خداپنده لو) ۱۸۳

داند و متعاقب آن شماری از مدعیات را بگونه ای تبیین میکند که عامل معنای تاریخی متن، یعنی آنچه مولف در نوشتن قصد آن را داشته به عنوان اولین نکته قرار گیرد. اینگونه تبیین را می توان تبیینی غیر علی دانست، زیرا که بازتوصیف ویژگی کنش زبان شناختی برحسب نکته ایدئولوژیک آن است نه برحسب یک وضعیت مستقلاً قابل تعیین یا امری توضیح دهنده؛ و اجمالاً قصد نهفته در انجام کنش زبانشناختی است نه قصد پیشین برای انجام عمل (اسکینر، ۱۳۹۳: ۹۰).

از این منظر، خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه، به عنوان یکی از مهم ترین و تأثیرگذارترین بیانات حضرت امیرالمؤمنین علی^(ع)، دارای ظرافت‌ها و لطافت‌های بی نظیر گفتاری و معنایی است. این خطبه نه تنها یک سخنرانی مذهبی، بلکه به عنوان یک عمل زبان‌شناختی نیز دارای بار غیرگفتاری قابل توجهی است. خطبه ۲۱۶ به لحاظ دربرداشتن مضامین ژرف و تأمل برانگیز، کنش زبان‌شناختی بسیار ارزشمند و شایسته تأملی عمیق به شمار می‌رود. این خطبه معنایی عمیق‌تر از متن دارد و پیام‌های غیرمستقیم و تأثیرات درخور توجهی برای جامعه و تاریخ به همراه دارد.

این خطبه را «رسالة الحقوق» نیز نامیده‌اند؛ چراکه حضرت علی^(ع) در آن به تشریح جریان حق و تکلیف پرداخته است. درخصوص بار غیرگفتاری زبان‌شناختی این خطبه می‌توان به گردش دوسویه حق اشاره کرد که حتی خداوند - با نظر به قادر مطلق بودن خود - آن را نقض نکرده است: «وَلَكِنَّهُ سُبْحَانَهُ جَعَلَ حَقَّهُ عَلَى الْعِبَادِ أَنْ يُطِيعُوهُ وَجَعَلَ جَزَاءَهُمْ عَلَيْهِ مُضَاعَفَةَ النَّوَابِ تَفَضُّلاً مِنْهُ وَتَوْسَعاً بِمَا هُوَ مِنَ الْمَزِيدِ أَهْلُهُ»

این گردش دوسویه همان «مدار حق و تکلیف» است؛ یعنی هم در مقابل هر حقی تکلیفی است که باید ادا شود و از سوی دیگر، حق هم چیزی است که به نفع کسی به جریان نمی‌افتد مگر آنکه روزی دیگر به ضرر او برگردد و برعکس. این جریان دوسویه حق، به طریق اولی، توسط حاکمان و مردم لازم‌الاطاعه است و راهنمایی به سوی جامعه مطلوب علوی محسوب می‌شود.

براساس این برداشت از جریان حق، امام^(ع) در آغاز خطبه به مسئله بسیار مهمی در باب حکومت اسلامی اشاره می‌دارند که در واقع با راهبرد تمام حکومت‌های آن زمان متفاوت بود. چراکه حکومت‌های استبدادی آن روزگار، همه چیز را از آن خود می‌دانستند و رعایا را همچون بردگانی می‌شمردند که وظیفه و تکلیف‌شان اطاعت چشم‌وگوش بسته است.

در این رویکرد، اگر حکومت‌ها چیزی را برای رعایا قائل بودند، نوعی مَنّت و تفضّل به حساب می‌آمد نه حق؛ درحالی‌که در جهان‌بینی سیاسی امیرالمؤمنین^(ع)، نقش مردم در امر حکومت و سیاست نقشی جایگزین‌ناپذیر است. بر همین اساس، حضرت علی^(ع) حکومت اسلامی را مرکب از دو حقّ متقابل می‌داند: (۱) حقّ زمام‌داران بر مردم، و (۲) حقّ مردم بر زمام‌داران؛ که هر دو سنگین و پُرمسئولیت است.

اگر این حقّ دوسویه رعایت شود و تساوی آن حفظ گردد و هریک از طرفین حقّ هم‌دیگر را پردازند، در این صورت «حقّ میان آن‌دو عزیز می‌گردد و مسیره‌های روشن دین هموار و نشانه‌های عدالت معتدل و برپا و سنت‌ها در مجرای خود به جریان می‌افتد.» اما اگر تعادل این امر به هم بخورد و یا رعیت بر حاکم غالب شود و یا حاکم به رعیت ظلم کند،

کلمه جامع آن‌دو مختلف گردد و پراکندگی در جامعه نفوذ کند و علامت‌های ستم آشکار شود. فریبکاری در دین فراوان و طرق سنت‌ها رها گردد. در این موقع است که عمل بر طبق هوا و هوس صورت گیرد و احکام الهی متوقّف شود و اختلالات و بیماری‌های نفسانی روبه‌فزونی گذارد.

اما مراعات این دوسویگی بسیار پیچیده و مشکل است؛ چراکه حضرت معتقدند: *فَالْحَقُّ أَوْسَعُ الْأَشْيَاءِ فِي التَّوَاصُفِ وَأَضْيَقُهَا فِي التَّنَاصُفِ*. یعنی حق در مرحله بیان از هر چیز وسیع‌تر است و همه از آن دفاع می‌کنند؛ اما در مرحله عمل از هر چیزی سخت‌تر و پیچیده‌تر است. بنابراین دغدغه امام علی^(ع) هدایت مردم در مسیر دریافت و رعایت دوسویگی حق - جهت برپایی حکومت مطلوب - است.

با توجه به این مطلب، خطبه ۲۱۶ به‌عنوان یک عمل ایدئولوژیکی، منظومه‌ای متشکل از عناصر «خدا»، «والی» و «رعیت» را با محوریت حق توضیح می‌دهد. این الگو از یک سو با مفاهیم جعل الهی و دوسویگی تقویت شده‌است و از سوی دیگر با مفاهیمی چون دشواری در عمل، ناتوانی در ادای کامل برای همه، نیاز به همکاری همه در انجام آن، به‌صورتی دقیق احصا شده است.

حرف تحقیق «قد» در آغاز گزاره نخست نیز تأکید دیگری بر استثناپذیری حق و دوسویگی جعل الهی آن دارد. این استثناپذیری در مسائل مربوط به حاکمیت از سنگین‌ترین مسئولیت‌هاست. این بار غیرگفتاری در ادامه گزاره نخست با به‌کارگیری واژه «منزلت» نیز تکرار و تأکید شده‌است. حضرت با بیان این جمله که: *«فَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ لِي عَلَيْكُمْ حَقًّا بَوْلَايَةِ*

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فریبا سادات محسنی سهی و رضا خدابنده لو) ۱۸۵

أَمْرِكُمْ وَمَنْزِلَةً أَنْزَلْنِي اللَّهُ عَزَّ ذِكْرُهُ بِهَا مِنْكُمْ وَلَكُمْ عَلَيَّ مِنَ الْحَقِّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيَّكُمْ» نشان می‌دهند که حاکمیت نه تنها سلطه و غلبه و حتی برتری جایگاهی نیست، بلکه موقعیتی کاملاً مدیریتی است که مسئولیت‌هایی را برای دارنده‌اش در پی دارد. به تعبیر دیگر، حاکم صاحب منزلتی است که هر چند به او قدرت تصمیم‌گیری داده‌است؛ اما دارای هیچ‌گونه یک‌سویگی در حق، غلبه یا برتری نیست؛ بلکه برعکس مسئولیت‌پذیر و پاسخ‌گو نیز هست.

استفاده از تعبیر «والی» و «رعیت» هم در طرح همین عمل ایدئولوژیک قابل فهم است. والی از ریشه ولی، دارای معانی بسیار گسترده‌ای است که علاوه بر حاکمیت و امارت (ابن منظور، ۱۳۷۵ه.ق، ۴۰۶) معانی دیگری چون دوستی، یاری، سرپرستی، هدایت و... را در خود دارد (الاصفهانی، ۱۴۲۷ه.ق: ۸۸۵).

از بیان حضرت امیر^(ع) مشخص است که در مفهوم ولایت نوعی پیوستگی و دوسویگی نهفته است که در واژه‌هایی مانند حاکم، امیر و سلطان وجود ندارد. تعبیر مردم به رعیت نه ناس در این خطبه نیز مطابق کلام عرب دربردارنده معانی چون نگهبانی، محافظت، رفاه، آزادی محدود، مهربانی، حُسن توجه و حق‌نهاداری است (الاصفهانی، ۱۴۲۷ه.ق: ۳۵۷). بنابراین، رعیت عبارت از مردمی است که در نسبت با والی، دارای حق و مسئولیتی دوسویه‌اند که نه قراردادی و عارضی بلکه ذاتی چنین رابطه‌ای است.

بر اساس آنچه گفته شد، در الگوی مورد نظر این خطبه، مفهوم حکومت در پیوند متقابل با مفاهیم والی، خدا، رعیت و حق در یک منظومه ایدئولوژیک قابل دریافت و فهم است که با حکومت‌های موجود در زمانه مولا علی^(ع) تفاوت چشمگیری دارد.

۲.۳.۵ قصد امام^(ع) از ایراد خطبه

پرسش از خصایص عمل ایدئولوژیک به مثابه یک عمل سیاسی است. بر این اساس مسیر مرحله دوم هرمنوتیک اسکینری، قرار دادن متن در زمینه عملی آن بوده و عبارت از فعالیت سیاسی یا خصوصیات مساله‌انگیز جامعه‌ای است که مولف آن را خطاب قرار می‌دهد و متن به منزله پاسخی به آن است (تولی، ۱۳۸۸: ۵). در مورد مطالعه ما یعنی خطبه ۲۱۶، بازخوانی مختصات این جامعه، عموماً متأثر از شورش قبایل علیه عثمان و نهایتاً قتل اوست. بنابراین شرایط حاکم بر جامعه اسلامی در زمان ایراد خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه - یعنی در حد فاصل سال‌های ۳۵ تا ۴۰ هجری - بسیار پیچیده و متشنج بود. جامعه در تب و تاب انقلابی عظیم

به سر می‌برد و شاهد وقایعی همچون شورش علیه خلیفه سوم، عثمان بن عفان و سرانجام به قتل رسیدن او بود (ابن کثیر، ۱۴۰۹ه.ق، ج ۷: ۲۲۷).

عثمان در طول دوران حکومتش، اصل مهم «جریان دوسویه حق و تکلیف» را - که یکی از سنت‌های اساسی حکمرانی در مکتب نبوی به‌شمار می‌رفت - نادیده گرفته بود. این مسئله باعث نارضایتی عمومی شد تا جایی که به شورش و در نهایت به قتل وی منجر شد. پس از این واقعه، انقلابیون - جهت جلوگیری از هرج و مرج و بی‌ثباتی بیشتر - تصمیم گرفتند تا هرچه سریع‌تر خلیفه جدیدی را انتخاب نمایند. اما در فضای پر تنش و خشونت‌آمیز حاکم، هیچ‌یک از شخصیت‌های بزرگ آن‌زمان - از جمله علی^(ع)، طلحه، زبیر و سعد بن ابی‌وقاص - حاضر به پذیرش مسئولیت خطیر خلافت نمی‌شدند (طبری، ۱۳۶۶: ۴۳۴). سرانجام با اصرار مکرر مردم مدینه، امام علی^(ع) - علی‌رغم مخاطرات جدی - پذیرفتند تا خلافت را برعهده بگیرند؛ در حالی که فضا همچنان تحت سلطه انقلابیون تندرو بود.

پس از آن، مهم‌ترین چالش پیش روی امام^(ع) ماجرای ترور عثمان و الزام به مجازات قاتلان او بود. عدّه‌ای او را خلیفه‌ای مظلوم می‌دانستند که باید خونش گرفته شود؛ اما گروهی او را حاکمی ستمگر قلمداد کرده و خونش را هدر می‌شمردند (حسین، ۱۳۴۹: ۱۴).

این فضا یک فضای دگرگون شده بود که ایدئولوژیهای حاکم در آن ارتباط خاصی با آنچه در قرآن و سنت نبوی مطرح شده بود نداشتند. فضایی که متورم از غوغاسالاری و عدم خیرخواهی رعیت بر حاکم و عدم پاسخگویی و مسئولیت‌پذیری حاکم است. ادامه این ایدئولوژیها در حوادث جنگ صفین منجر به غوغای دیگری از نوع خوارچ شد که جهت پذیرش حکمیت شمشیر بر گردن امام گذاشتند و سپس در مخالفت با آن شمشیر به رویش کشیدند، نشانگر این است که امام در این شرایط با هدف بازگشت به سنت راستین اسلامی، ارتباط دوسویه حق در حاکمیت را مطرح می‌کند. به تعبیر دیگر در چنین شرایط آشفته و پریشانی که طبق نقل طبری، افراط‌گرایی و سرکشی برخی جریان‌های سیاسی اوج گرفته بود و از سوی دیگر، توده مردم کاملاً بی‌تفاوت بودند و حاضر به مساعدت و کمک به امام^(ع) نمی‌شدند (طبری، ۱۳۶۶: ۶۴۶)، یا سرسپردگی برده وار به حاکم، از نوع شامی آن، حرکت بسوی جامعه مطلوب را تهدید می‌کرد، امام (ع) در خطبه مورد بحث، ضمن تأکید مجدد بر لزوم رعایت «دوسویگی حق و تکلیف» در حکمرانی اسلامی، در صدد احیای سنت حقیقی و ارتباط دوسویه میان حاکم و مردم - بر پایه آموزه‌های اسلام ناب محمدی - برآمدند.

۳.۳.۵ زمینه ایدئولوژیک

هنگامی که ایدئولوژی به مثابه مجموعه‌ای از هنجارهای مرسوم به عنوان ابزاری برای فهم متون مطرح می‌شود، اسکینر رویکرد خود را به خود ایدئولوژی‌ها متمرکز می‌کند. در این روش، متون یک دوره کوتاه با دقت مورد بررسی قرار می‌گیرند تا هنجارهای سازنده و کنترل‌کننده ایدئولوژی‌های حاکم در آنها شناسایی و به عنوان معیاری برای تعیین ابعاد هنجاری و غیرهنجاری به کار گرفته شوند. در این مقاله، دوران جاهلیت به مثابه متنی است که در مقابل آموزه‌های نهج البلاغه قرار می‌گیرد.

ایدئولوژی جاهلیت در دوره ۲۵ ساله پس از رحلت پیامبر در سبک جدیدی بازسازی و تحت عنوان اسلام عرضه شد. جامعه در زمان حکومت مولا علی^(ع) جامعه‌ای جاهلیت‌زده بود. مردم شام که آشنایی‌شان با اسلام از طریق معاویه بود، مطیع او بودند و در مقابل، صحابه پیامبر در مدینه مستقل عمل می‌کردند و حمایت کاملی از علی^(ع) نشان نمی‌دادند (جعفریان، ۱۳۶۹: ۴۷۸). ناکثین، قاسطین و مارقین به عنوان مخالفان علی^(ع) شناخته می‌شوند. در این میان، معاویه با تحریک قبایل و احیای انگیزه‌های قومی، آنها را به اعمال خشونت‌آمیز تحریک می‌کرد (آئینه‌وند، ۱۳۶۷: ۱۵۹).

ابن ابی الحدید (۱۳۸۵ه.ق: ۷۳) معتقد است که امام در دوران خلافتش قدرت انتقال آموزه‌های درونی خود را به مردم نداشته، چرا که فقط اقلیتی از مردم به درستی او را درک می‌کردند و بیشتر آنها فاقد اعتقاد راسخ به امام بودند. این افراد عمدتاً از روی حمیت و نه اعتقاد، در کنار امام می‌جنگیدند (ابن ابی الحدید، ۱۳۸۵ه.ق: ۷: ۷۳). حتی هنگامی که امام نمایندگان خود را به شهرها فرستاد، تنها در شهرهایی مانند کوفه، بصره، مصر و بخشی از حجاز پذیرفته شدند، در حالی که بقیه با آنها مخالفت کردند (ابن اعثم، ۱۴۱۱ه.ق: ۲۷۲).

این موارد نشان دهنده احیای گفتمان و ایدئولوژی جاهلیت در دوره پس از پیامبر است. جاهلیتی که تحت پوشش اسلام رشد می‌کرد. در شام، مردم اسلام را از طریق معاویه درک می‌کردند و در عراق، پیروزی‌های متوالی در جنگ‌ها دیدگاهی نسبت به اسلام ایجاد کرده بود که تنها به جنگ با کفار محدود می‌شد. در حجاز نیز اشرافیت در حال رشد بود. امام^(ع) در این شرایط و در حضور یک متن جاهلی موجود، ایدئولوژی خود را سامان داده و درباره رابطه مردم در حکومت اسلامی تبیین می‌کند، که افقی برایتربیت صحیح افراد و ساختن جامعه اسلامی مطلوب اسلامی است.

۴.۳.۵ هنجارهای زمانه

همانگونه که مرحله دوم روش اسکینری، برای روشن کردن ارتباط بین اندیشه و کنش سیاسی در مورد یک متن خاص بود، مرحله چهارم در ادامه تحقق این هدف، در مورد یک ایدئولوژی است. مفروض بحث این است که هر واژه سیاسی حاوی شماری از اصطلاحاتی است که به صورت بین‌الذهانی تجویزی هستند. کلماتی که نه تنها وصف‌کننده اند بلکه در ضمن توصیف، خصلتی ارزش‌گذارانه هم دارند. در واقع این بعد ارزش‌گذاری، ظرفیت کنش کلامی یک کلمه خوانده می‌شود و ممکن است مثبت یا منفی، ستایش‌آمیز یا نکوهش‌آمیز، موید یا رد‌کننده باشد. مجموعه چنین اصطلاحات توصیفی-ارزشی در بین واژگان توصیف‌گر یک جامعه یا ایدئولوژیهای آن جامعه بسیار گسترده است. نتیجه آن است که واژگان سیاسی در کاربرد رایج خود کنش سیاسی را توصیف و ارزیابی می‌کنند یا به تعبیر اسکینر به شکل‌گیری خصیصه اعمال کمک می‌کند (پروانه زاد و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۲۰) مراد از شکل‌گیری خصیصه اعمال، توصیف و ارزیابی یا بیان ویژگی آنهاست و این صرفاً برای رسیدن به این است که نقش ایدئولوژی‌های سیاسی کمک به مشروعیت بخشی کنش اجتماعی است و یا به تعبیر دیگر یک رابطه بین ایدئولوژی و کنش، رابطه مشروعیت بخشی بین آنهاست. به هر حال تصرف در هنجارهای حاکم بر معنا، دلالت یا ظرفیت کنش کلامی برخی از این اصطلاحات تجویزی است.

در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه، حضرت علی^(ع) مطابق با هنجارهای مرسوم درباره ارتباط حاکمیت و مردم، ایدئولوژی خود را مطرح می‌کنند. هنجارهای مرسوم این دوره غوغاسالاری و بی‌تفاوتی و اطاعت کورکورانه بود، اما حضرت تکلیف و نقش مردم را با واژه‌هایی مانند استقامت، تناصح و حسن‌تعاون تحت عنوان گزاره "مقاله بحق و مشوره بعدل" (نهج‌البلاغه: خطبه ۲۱۶) تبیین می‌کنند. بنابراین، نقد حاکمیت به عنوان حق و تکلیف الهی مردم و نیاز حکومت به نقد مورد توجه حضرت بوده است. گزاره "مقاله بحق و مشوره بعدل" نشان می‌دهد که نقد حاکمیت یک حق و تکلیف الهی مردم است و هدف نقد را نیز مشخص می‌کند. هدف نقد خلیفه‌کشی و غوغاسالاری نیست؛ بلکه "مقاله" از ریشه "قول" به معنی گفتار و سخن هدفمند و روشنگر است و "مشوره" با سکون واو و اضافه شدن ب بر عدل به معنای نظر دادن و فعلی یکسویه است، نه مشورت با کسر واو که از ریشه مشاوره و دارای مفهوم دوسویه است (ولوی و بیگ، ۱۳۹۵: ۲۱۸). توجه به معنای عدل و ارتباط مفهومی آن با

تناصف - "والحق اوسع الاشياء فی التواصف و اضيقها فی التناصف" (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶) - دشواری نقد حاکمیت را بیش از پیش نمایان می‌کند.

در خطبه ۲۱۶، مهمترین رکن نقد حاکمیت استقامت است و نه غوغاسالاری. حضرت می‌فرماید: "ولا تصلح الولاه الا باستقامه الرعيه". برای استقامت معناها و مفاهیمی مانند ثبات، پافشاری، پایداری و اعتدال بردوام و استمرار، عدم انحراف از حق، درست شدن و قیمت نهادن ذکر شده‌اند (الاصفهانی، ۱۴۲۷ه.ق: ۶۹۹). از آنجا که استقامت مصدر باب استفعال است و معنای طلب دارد، مفهوم طلب قیام و درخواست بروز همه آثار و منافع در هر یک از معانی آن وجود دارد (المصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۴۲). پس این اصطلاح هنگامی که در مورد رعیت و در نسبت با والی به کار می‌رود، بر این مفهوم تاکید دارد که مردم باید فارغ از موقعیت و منزلت اجتماعی، همواره در نقد سازنده حاکمیت به اندازه ظرفیت وجودی خود حضور فعال داشته باشند و از خود مراقبت کنند تا گرفتار رخوت و سستی نشوند و به بی‌تفاوتی و انزوای سیاسی-اجتماعی دچار نگردند.

استفاده از باب استفعال نشان می‌دهد که استقامت به معنای انجام دو عمل همزمان است: خود از پا نمی‌افتد و دیگران را نیز سرپا نگه می‌دارد. استفاده از مفهوم دیگر استقامت که متضمن عدالت است نشان می‌دهد که هرگونه افراط و تفریط از سوی مردم موجب کاستی در امر حکومت می‌شود؛ یعنی پیش‌افتادن یا پس‌ماندن در حرکت یا انحراف از مسیر صلاح جامعه، برخلاف استقامت و مصداق نپرداختن حق حکومت از سوی مردم است. امام در هنجار نقد حاکمیت، که عموماً غوغاسالاری و بی‌تفاوتی و اطاعت کورکورانه بود، با مفهوم‌سازی استقامت، ایدئولوژی مدنظر خود را ترسیم می‌کند.

اصطلاحات دیگری که حضرت با استفاده از آنها منظومه خود را در رابطه دوسویه حاکمان و مردم و شیوه صحیح نقد حاکمیت ساخته، تناصح و حسن تعاون است: "علیکم بالتناصح فی ذالک و حسن التعاون علیه" (نهج البلاغه: خطبه ۲۱۶). نصیحت و واژه‌های هم‌ریشه با آن دارای بار معنایی فراوانی هستند مانند خالص شدن و خالص کردن، خیرخواهی محض، توبه محکم، ثبات و استواری و همچنین کار یا سخنی که به مصلحت شخص و از روی خلوص نیست و خیرخواهی محض باشد (الاصفهانی، ۱۴۲۷ه.ق: ۸۰۸). در اینجا نیز کاربرد باب تفاعل معنای نصیحت را دارای سه ویژگی می‌کند: نخست، حداکثر خیرخواهی، ارسال کمک خالصانه و حفظ و تقویت. دوم، دوسویه بودن آن و سوم همراه با جریان دائمی بودن و با هدف اصلاح و بهبود وضع موجود (ولوی و بیگ، ۱۳۹۵: ۲۲۰). تاکید بر تناصح در پیوند با حسن التعاون نشان

می‌دهد که بدون همکاری، همراهی، همدلی، یکپارچگی و وحدت رعیت و حفظ شان و جایگاه والی، امر حکومت میسر نمی‌شود. دقت در معانی سه اصل گفته‌شده (استقامت، تناصح و حسن التعاون) نشان‌دهنده ضرورت رعایت همزمان آنها در نقد حاکمیت است؛ نقدی که در ایدئولوژی امام سراسر خیرخواهی است و با فتنه‌انگیزی و لجاجت بیگانه است.

۵.۳.۵ تبدیل به هنجار مسلط

مرحله پنجم، آخرین مرحله رهیافت اسکینر است. تبیین ایدئولوژیک در شیوه‌های عمل تئیده است، اما اینکه چنین تحولی چگونه به هنجار مرسوم تبدیل می‌شود، سوالی تاریخی است که رهیافت اسکینر دو خط مشی برای آن ارائه می‌دهد: خط مشی ایدئولوژیک و خط مشی عملی (پروانه زاد و دیگران، پیشین: ۱۲۵). از دیدگاه ایدئولوژیک، گسترش و توسعه یک ایدئولوژی به میزان زیادی به تطابق آن با سایر مکاتب فکری موجود بستگی دارد. تحول در اندیشه و عمل بیشتر تحت تأثیر چینش پیچیده و ناپایدار روابط قدرت است که زمینه را برای بروز تعارضات ایدئولوژیک فراهم می‌کند. تحول ایدئولوژیک زمانی به عنوان مشروع و معتبر پذیرفته می‌شود که نیروهای سیاسی درگیر در این فرآیند به اقداماتی دست زده و از ابزارهای ایدئولوژیک برای مشروعیت بخشی به این اقدامات استفاده کنند. مثال بارز این مسئله در کلام امیرالمؤمنین^(ع) مشهود است، جایی که بر حقیقت اسلام به عنوان شعائر ایدئولوژیک تأکید شده است. این تأکید بر رشد افکار و دیدگاه‌های مردم تأثیر گذار بوده و به تدریج ایدئولوژی اسلامی را در جامعه مسلط کرده است.

منظومه فکری ارائه شده در خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه، که به هنجار مسلط تبدیل شده، نمونه‌ای از یکپارچگی گفتار و کنش سیاسی امام در دوران زمامداری است. امام بر مسئولیت‌پذیری تأکید دارند و بیان می‌کنند که در مسیر تحقق این ایدئولوژی، مسئولیت‌هایی نیز بر دوش حاکمان قرار دارد. آنان باید از خودبزرگ‌بینی پرهیز کرده و از شنیدن مدح و ثنا پرهیزند، چنان‌که در خطبه مذکور، امام جواب مرد سوال‌کننده‌ای را می‌دهند که گفته می‌شود حضرت خضر^(ع) بوده است (کلینی، ۱۳۶۳: ۳۵۵). امام در این مکالمه، دوست داشتن ثناخواهی و تفاخر را مذمت کرده و آن را عادت سلاطین جائر می‌دانند. عبارت " فلا تکلمونی بما تکلم به الجبیره و لا تحفظوا منی بما يتحفظ به عند اهل البادره " (نهج‌البلاغه، همان خطبه) در حقیقت گویای این مطلب است که شنیدن مدح و ثنا و تفاخر به آن، آفتی است که موجب سرمستی حاکم شده و او از مسیر پاسخگویی و نقد‌پذیری منحرف کرده و به طاغوت تبدیل

می‌کند. در این مسیر برای حاکمان حتی شنیدن سخنی که مردم گمان حق به آن دارند نیز نباید سنگین باشد، زیرا کسی که شنیدن پاسخ حق یا عرضه و دعوت عدل برایش سنگین باشد، عمل به آنها برایش سنگین تر خواهد بود (همان).

در نهایت، تبدیل این ایدئولوژی به هنجار مرسوم در جامعه، ناشی از ارتباط بین عناصر منظومه فکری امام و تفسیر و عمل به حق است. امام خود را بنده خداوند می‌داند و مسئولیت‌پذیری را سرلوحه کار خود قرار می‌دهند. این تأکید بر عبودیت و بندگی خداوند، هنجارهای ارائه شده توسط امام را به یک الگوی پایدار برای تمام اعصار بشریت تبدیل کرده است، هنجاری که دوران کوتاه حکومت امام با وجود همه موانع و فتنه‌ها، سرشار از تطابق کامل کنش عملی و ایدئولوژی امام بوده است.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه براساس الگوی هرمنوتیک قصدگرای اسکینر، هنجارهای ایدئولوژیک مدنظر امام علی^(ع) در خصوص حاکمیت را ترسیم کرده است. این هنجارها با تعریف جریان دوسویه حق، مسئولیت‌پذیری حاکمان و حضور فعالانه و خیرخواهانه مردم در امر حکومت را مستفاد می‌کند که حول محورهای استقامت، تناصح و تعاون ظهور پیدا کرده است.

نگاه دوسویه به جریان حق، ترسیم‌کننده جامعه مطلوب از دیدگاه امیرالمومنین^(ع) است که طی آن حق و تکلیف مفاهیمی تضامنی هستند که در مقابل هم مطرح می‌شوند و ناقض جریان‌هایی چون استبداد، غوغاسالاری و بی‌تفاوتی هستند که در آنها این جریان دوسویه برقرار نیست.

طی تطبیق مراحل پنج‌گانه هرمنوتیک قصدگرای اسکینر با خطبه ۲۱۶، مشخص شد که:

- بار غیرگفتاری این خطبه به مثابه یک عمل زبان‌شناختی، تشریح جریان دوسویه حق در خصوص حاکمان و مردم (مدار حق و تکلیف) و دغدغه امام^(ع) برای راهنمایی مردم در این مسیر است.

- قصد امام^(ع) از طرح این موضوع در آن برهه تاریخی، بازگشت به سنت اصیل اسلامی در تعریف رابطه دوسویه میان حاکم و مردم است؛ در مقابل فرهنگ غالب غوغاسالاری، بی‌تفاوتی و اطاعت محض.

- متون و ایدئولوژی‌های هم‌عصر متن خطبه که حاکم بر جامعه بود، دارای ویژگی‌هایی مانند سلطه‌جویی، بی‌توجهی به مردم و عدم پاسخگویی حکومت بود که امام^(ع) با طرح موضوع دوسویگی حق در حاکمیت، در مقابل آن می‌ایستد.

- امام^(ع) با به‌کارگیری مفاهیمی همچون «استقامت»، «تناصح» و «حسن تعاون» هنجارهای جدیدی را در تعریف رابطه حاکم و مردم مطرح می‌کند که مبتنی بر مسئولیت‌پذیری دوسویه است.

- سرانجام این دیدگاه با وحدت کامل گفتار و کنش سیاسی امام^(ع)، به یک الگو و هنجار مرسوم برای سامان‌دهی روابط حاکمیت در طول تاریخ تبدیل شده است.

با مقایسه یافته‌های این تفسیر با سایر تفاسیر موجود از خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه، می‌توان گفت که تفسیر حاضر با روش‌شناسی خاص خود، توانسته است زوایای تازه‌ای از دیدگاه و اندیشه سیاسی امام علی^(ع) را در این خطبه آشکار سازد. تأکید بر مفهوم دوسویگی حق در ارتباط میان حاکم و مردم و همچنین بازشناسی هنجارهای تازه‌ای که امام^(ع) در مقابل هنجارهای رایج و غالب بر آن جامعه مطرح می‌کند، از جمله نکات بدیعی است که این تفسیر بر اساس روش اسکینر به آن دست یافته است.

به طور کلی می‌توان نتیجه گرفت کاربست روش‌شناسی هرمنوتیک قصدگرای اسکینر در قیاس با سایر روش‌های هرمنوتیکی در تفسیر خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه، توفیق بیشتری داشته است. تأکید این روش بر شناسایی قصد و نیت نهفته در پس متن و همچنین توجه به بستر تاریخی و اجتماعی آن، زمینه‌ساز دستیابی به درک عمیق‌تری از معانی و مفاهیم کلیدی این خطبه شده است.

نویسندگان ضمن بهره‌گیری از روش تفسیری اسکینر در بازخوانی و معرفی مضامین سیاسی - اجتماعی خطبه ۲۱۶ نهج‌البلاغه و با ایمان و تعهد نسبت به آموزه‌های اسلامی به ارجحیت و جامعیت علم تفسیر (بویژه مبانی و منابع تفسیر) و ظرفیت و قابلیت آن در تبیین متون دینی که از سوی مفسران بزرگ مسلمان در طول تاریخ طرح شده است اذعان دارند.

در پایان پیشنهاد می‌شود با عنایت به نقدهای وارده بر هر روش‌شناسی تفسیری و از جمله روش‌شناسی اسکینر، مقایسه تطبیقی روش‌شناسی اسکینر با روش جامع تفسیر در علوم اسلامی انجام گردد. این مهم ضمن بهره‌گیری از ظرفیت رویکرد انتقادی اسلامی در مطالعه

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فریبا سادات محسنی سهی و رضا خدابنده لو) ۱۹۳

روش شناسی های تفسیری نوین، فرصت معرفی الگوی تفسیری ایرانی-اسلامی به پژوهشگران معاصر را نیز فراهم می نماید.

پی نوشتها

۱. نویسندگان ضمن بهره گیری از روش تفسیری اسکینر در بازخوانی و معرفی مضامین سیاسی-اجتماعی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه، به ارجحیت و جامعیت علم تفسیر و ظرفیت تفسیرسیاسی-اجتماعی در روش تفسیر اسلامی اذعان دارند.

2. Holm-Hadulla, R. M. (2018). *The Art of Counselling and Psychotherapy*. London: Routledge.
3. Uzuegbunam, E. (2023). *Interfacing Biblical Hermeneutics in Textual Contexts and Socio Cultural Environments*. Enugu: Rabboni Publishers International.
4. Hodosophia Christiana sive Theologia positiva
5. Farihin, H. (2016). Hermeneutika Rabbaniy Ala Hadis Qudsi Riwayat Huzaifah Bin al-Yaman. Riwayah: Jurnal Studi Hadis, 2(2), 169-182.
6. Gardner, P. (2010). *Hermeneutics, History and Memory*. New York: Routledge.
7. Coltman, R. (1998). *The language of hermeneutics: Gadamer and Heidegger in dialogue*. New York: Suny Press.
8. Kockelmans, J. J. (1975). *Toward an Interpretative or Hermeneutic Social Science*. Graduate Faculty Philosophy Journal, 5(1), 73-96.

کتابنامه

- امام علی بن ابی طالب^(ع) (۱۳۷۴). *نهج البلاغه*. ترجمه سید جعفر شهیدی. چاپ هشتم. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- آئینه وند، صادق (۱۳۷۶). *تاریخ سیاسی اسلام*. تهران: نشر فرهنگی رجا.
- ابن اعثم کوفی، محمد بن علی (۱۴۱۱ق). *الفتوح*. مجلد ۲. بیروت: دار الضواء.
- ابن ابی الحدید، عزالدین عبدالحمید (۱۳۸۵ق). *شرح نهج البلاغه*. تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم. مجلد ۷. الطبعة الثانية. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل (۱۴۰۹ق). *البدایه و النهایه*. مجلد ۷. بیروت: دارالکتب العلمیه
- ابن منظور، محمدبن مکرم (۱۳۷۵ق). *لسان العرب*. قم: نشر ادب الحوزه.
- الاصفهانى، الراغب (۱۴۲۷ق). *مفردات الفاظ القرآن*. قم: نشر طلیعه نور.
- اسکینر، کوئیتین (۱۳۸۷). *ماکیاولی*. ترجمه عزت الله فولادوند. تهران: طرح نو.

۱۹۴ پژوهش‌نامه علوی، سال ۱۵، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۴۰۳

- اسکینر، کوئنتین (۱۳۹۳). *بینش های علم سیاست*، جلد اول در باب روش. ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: فرهنگ جاوید
- پروانه‌زاد، الناز، میراحمدی، منصور و شکوری، ابوالفضل (۱۳۹۶). بررسی امکان تفسیر نهج البلاغه از رهگذر روش شناسی اسکینر. *پژوهش‌نامه علوی*، ۸(۱۵)، ۱۱۳-۱۳۲.
- تولی، جیمز (۱۳۸۸). روش شناسی اسکینر در تحلیل اندیشه سیاسی. ترجمه غلامرضا بهروز لک. تهران: فصلنامه علوم سیاسی. شماره ۲۸. صص ۱-۲۶.
- جعفریان، رسول (۱۳۶۹). *تاریخ سیاسی اسلام*. جلد ۲. تهران: وزارت فرهنگ.
- جمشیدی مهر، پرویز؛ نساج، حمید؛ دوازده امامی، سید محسن و علی حسینی، علی (۱۳۹۹). *کنش گفتاری - هرمنوتیکی هنجار مرسوم انقلاب اسلامی در اندیشه سیاسی مقام معظم رهبری. پژوهش‌نامه انقلاب اسلامی*، ۱۰(۳۷)، ۱۲۷-۱۴۹.
- حاتمی، امیرحسین (۱۳۹۸). کاربرد روش شناسی اسکینر در تفسیر متون تاریخ‌نگاری و تاریخ اندیشه ایرانی-اسلامی. *فصلنامه مطالعات میان‌رشته‌ای در علوم انسانی*، ۱۲(۱)، ۲۹-۵۴.
- حاتمی، محمدرضا، بیگی، علیرضا و رفیعیان، سجاد (۱۳۹۸). مهم‌ترین مؤلفه‌های حکومت مطلوب در اندیشه و کنش سیاسی امام رضا (علیه السلام). *فرهنگ رضوی*، ۷(۲۶)، ۱۹۱-۲۱۸.
- حسین، طه (۱۳۴۹). *علی و فرزندان*. ترجمه محمد علی شیرازی. تهران: نشر دریا.
- درخشه، جلال و بیگی، علیرضا (۱۳۹۸). مطالعه تطبیقی نظریه حکومت در اندیشه عیسی قاسم و عبدالوهاب حسین؛ براساس روش قصدگرای هرمنوتیک اسکینر. *فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام*، ۹(۱)، ۵۹-۸۵.
- روشن، امیر (۱۳۸۷). کوئنتین اسکینر و هرمنوتیک قصدگرا در اندیشه سیاسی. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۴(۳)، ۱۱-۳۵.
- سیدباقری، سیدکاظم و حسینی، مهدی (۱۴۰۰). خوانش اندیشه سیاسی نصرالله منشی در مقدمه کلیل و دمنه بهرام‌شاهی بر اساس روش هرمنوتیک قصدگرای اسکینر. *رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی*، ۱۳(۱)، ۹۷-۱۲۱.
- شاکری خوئی، احسان (۱۴۰۰). فهم نظریه های دولت در فقه سیاسی مشروطه بر مبنای هرمنوتیک کوئنتین اسکینر (بررسی موردی آراء نائینی و نوری). *فصلنامه تحولات سیاسی اجتماعی معاصر ایران*، ۱(۲)، ۷۸-۹۹.
- طبری، محمدبن جریر (۱۳۶۶). *تاریخ طبری*. جلد ۵. ترجمه بلعمی، تهران: نشر نو.
- عبدالخانی، محمد و احمدوند، شجاع (۱۴۰۲). ابوالقاسم فردوسی و نقد "منازعه درونی" در سپهر اندیشه ایرانی. *پژوهش‌های نوین ادبی*، ۲(۱)، ۱۷۷-۲۰۴.
- کلینی، محمدبن یعقوب (۱۳۶۳). *الکافی*. جلد ۸. تهران: دارالکتب الاسلامیه.

بازخوانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه ... (فریبا سادات محسنی سهی و رضا خداپنده لو) ۱۹۵

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۹۰). پیام امام امیرالمومنین: جلد ۸. تهران. دارالکتب الاسلامیه
المصطفوی، حسن (۱۳۶۰). *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
منافی، ذکراه، شاکری، احسان و اسمعیل زاد، علیرضا (۱۴۰۱ الف). دموکراسی در منظومه فکری علی
شریعتی؛ با تاکید بر روش شناسی کوئینتن اسکینر. *سیاست جهانی*، ۱۱(۴)، ۲۸۸-۳۱۵.
منافی، ذکراه، شاکری، احسان و اسمعیل زاد، علیرضا (۱۴۰۱ ب). اصول و مؤلفه‌های دموکراسی در آراء و
افکار محمد مجتهد شبستری؛ با تاکید بر روش شناسی کوئینتن اسکینر. *ماهنامه جامعه‌شناسی سیاسی
ایران*، ۵(۱۱)، ۱۲۶۷-۱۲۹۲.
نساج، حمید و جمشیدی مهر، پرویز (۱۴۰۰). تحلیل متون دینی در حکومت صفویه براساس روش
هرمنوتیک. *پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی*، ۱(۴)، ۷۳-۹۲.
ولوی، علی محمد و بیگ، هانیه (۱۳۹۵). صورتبندی گفتمانی خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه. *پژوهشنامه علوم
سیاسی*، ۱۱(۴)، ۲۰۵-۲۳۴.

- Burns, T (2011). Interpreting and Appropriating Texts in the History of Political Thought: Quentin Skinner and Poststructuralism. *Contemp Polit Theory*, 10(2), 313-331. <https://doi.org/10.1057/cpt.2010.25>.
- Demeterio, F. P. A. (2001). *Introduction to Hermeneutics*. Diwatao, 1(1), 1-9.
- Green, G. (2005). Hermeneutics. In *The Routledge Companion to the Study of Religion* (pp. 392-406).
- Gunnell, J. (1982). Interpretation and the History of Political Theory: Apology and Epistemology. *American Political Science Review*, 76(2), 317-327. <https://doi.org/10.2307/1961112>.
- Martínez, V. C. (2014). Using Quentin Skinner in History and Philosophy of Education. *Encounters in Theory and History of Education*, 15(1), 81-102. <https://doi.org/10.24908/eoe-ese-rse.v15i0.5370>.
- Martinich, A. P. (2009). Four Senses of "Meaning" in the History of Ideas: Quentin Skinner's Theory of Historical Interpretation. *Journal of the Philosophy of History*, 3(3), 225-245. <https://doi.org/10.1163/187226309x461515>.
- Qi, Y. (2020). The Language of Terror: Exploring Speech Acts in Official English-Language ISIS Videos, 2014-2017. *Small Wars & Insurgencies*, 31(6), 1196-1241. <https://doi.org/10.1080/09592318.2020.1775055>.
- Skinner, Q. (1972). *Motives, Intentions and the Interpretation of Texts*. *New literary history*, 3(2), 393-408.
- Skinner, Quentin (1978), *The Foundation of Modern Politicalcal Thought*. Cambridge, Cambridge University Press.
- Skinner, Quentin (1998), *Liberty before liberalism*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Skinner, Q. (2002). *Visions of politics* (Vol. 2). Cambridge University Press.